



جزیره‌ی امرالی، زندانی فراقانونی*

سوزان آکیپا، راضیه اُزتورک

برگردان از تُرکی به فارسی: آوین سوران

مقدمه

منزوی‌سازی به معنای تنها نمودن فرد، ایزوله کردن و گسست پیوند او با دنیای خارج چه به صورت اجتماعی و چه فیزیکی است. منزوی‌سازی با هدف قطع ارتباط فرد با دنیای خارج و هدف قرار دادن خود واقعی اوست و به عنوان نوعی تکنیک مجازات بیان می‌شود. این مفهوم به ویژه از طریق اعمال در زندان جزیره امرالی بیشتر در دنیای زبانی ما ادغام گشت و به ویژه در مراحل ساخت زندان‌های نوع F در اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ بسیار مورد بحث قرار گرفت. بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی از جمله سازمان‌های بهداشت و حقوقی اعلام کردند که زندان‌های نوع F متشکل از سلول-های انزواسازی و ایزوله کردن بوده و هدف آن سلب هویت فرد و نادیده انگاشتن نیازهای جسمی، اجتماعی و روانی انسان‌ها بنا به ساختار خاص خود است و بر اهمیت رهایی از این نوع زندان‌ها و سیاست‌های ویژه‌ی آن تاکید کرده است.^۱ لذا علی‌رغم همه‌ی مخالفت‌ها و اعتراضات قریب به ربع قرن است که این نوع زندان‌ها در زندگی ما وجود داشته است.

منزوی‌سازی در ابتدا به عنوان بخشی از "رژیم اعدام" مورد بحث قرار گرفت. با این حال این واقعیت که امرالی مطابق با قانون اساسی، مقررات و تُرم‌های اولیه‌ی انسانی اداره نمی‌شود، نشان‌دهنده‌ی این است که منزوی‌سازی نمی‌تواند به طور محدود به عنوان یک نوع رژیم اعدام زندان نوع F با امنیت بالا ارزیابی شود. بنابراین کاراکتر زندان امرالی نه از طریق قانون و اخلاق بلکه توسط سیاست اداره می‌گردد و بیش از رویکردی کلاسیک نیاز به یک تحلیل عمیق دارد. به همین ترتیب شیوه‌های اجرا شده در امرالی از سال ۱۹۹۹ بدین‌سو آشکار ساخت که امرالی نظامی با ابعاد ایدئولوژیک، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

ایدئولوژیک است زیرا پارادایم دمکراتیک-اکولوژیک و آزادی‌خواهی زنان توسط عبدالله اوجالان را هدف قرار می‌دهد و در تلاش برای جایگزینی آن با ملی‌گرایی، دین‌گرایی و جنسیت‌گرایی و گسترش آن است. اجتماعی است بدین معنا که اوجالان، شخص ایزوله شده نماینده و اراده‌ی سیاسی میلیون‌ها بوده و آشکار است که پیوندش با جامعه بسیار نیرومند است. ایزوله کردن اوجالان به معنای ایزوله نمودن گُردها و ملت‌های تحت ستم خاورمیانه است. به اندازه‌ای که هدف نظم منزوی‌سازی امرالی قطع پیوند اوجالان با جامعه و فراموش کردن وی است. سیاسی است؛ زیرا مستقیماً با چاره‌یابی-عدم چاره‌یابی مسئله‌ی گُرد در ارتباط است. آنچه در نمود اوجالان منزوی می‌شود در واقع حل مسالمت‌آمیز و شرافتمندانه‌ی مسئله‌ی گُرد است. اقتصادی است بدین معنا که فقدان چاره‌یابی به دلیل منزوی‌سازی منجر به جنگ شده و جنگ خط‌مشی کسانی است که بر روی این جنگ رانت کرده و از آن سود می‌برند.

زندان‌های جزیره؛ مکان‌های منزوی‌سازی

زندان‌های جزیره با عنوان زندان‌هایی با امنیت بالا شناخته می‌شوند که در آن زندانیان سیاسی‌ای که جایگاه مهمی در تاریخ بشریت دارند، نگهداری می‌شوند. احاطه شدن با آب و یا عدم ارتباط با خشکی در واقع یک "راه‌حل" برای مسئله-ی امنیتی در برابر ادعاهای فرار ارائه می‌شود. این ساختار بر مبنای منطق منزوی‌سازی مخالفان سیاسی از جامعه، شکستن اراده و استقامت آن‌ها و انتقام سیاسی است. زندان جزیره امرالی، زندان نارگین در دریای خزر، زندان آسینارا در جزایر ساردینیا، زندان مالت در دریای سفید، زندان مالایا در نزدیکی چین، زندان جزیره روبن محل نگهداری نلسون ماندلا و زندان گوانتاناموی آمریکا از جمله از این نوع زندان‌های معروف جزیره هستند.

جزیره امرالی یکی از ناشناخته‌ترین جغرافیای ترکیه است که تاکنون در مورد آن تحقیقی صورت نگرفته است.^۲ با این حال مشخص است که زندان جزیره‌ی امرالی با همان هدف ساخت زندان‌های جزیره که در بالا بدان ذکر شده، برای نگهداری مخالفان سیاسی است و همان نقش را ایفا می‌کند. با آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۵ جمعیت یونانی ساکن در جزیره امرالی به اجبار در بورسا اسکان داده شده و جزیره به طور کامل تخلیه شد. اگرچه ساکنان جزیره پس از جنگ بازگشتند اما پس از تأسیس جمهوری در مبادله با تُرک‌های گرید در سال‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۲۳ به یونان فرستاده شدند. متعاقباً در سال ۱۹۳۵ یک زندان نیمه باز در جزیره امرالی تأسیس و سال‌ها از این زندان به مکانی برای اعدام استفاده می‌شد.^۳

اگر جزیره‌ی امرالی را از زاویه‌ی تاریخ سده‌ی اخیر مورد ارزیابی قرار دهیم، مکانی است که شاهد رنج، تبعید و اعدام بوده است. این جزیره حتی پیش از اوجالان نیز مکان زندانی کردن و اعدام بسیاری از روشنفکران، هنرمندان، نویسندگان و سیاستمداران سرشناس بوده است. هنرمندانی همچون یلماز گونی، نقاش یونانی آنگولوس استافانودیس، رفعت ایلگاز نویسنده، ابراهیم بالابان، سیاستمدار عدنان مندرس، حسن پُلاتکان و فاتین روشتو زورلو از اسامی شناخته‌شده‌ای هستند که در اینجا زندانی شده‌اند.

عبدالله اوجالان از ۱۵ فوریه‌ی ۱۹۹۹ که با نقض قوانین و نُرم‌های جهانی و بین‌المللی از کنیا ربوده شده، بیش از ۲۵ سال است که تحت یک رژیم بسیار منحصریفرد در زندان جزیره امرالی در دریای مرمره و داخل آب‌های ترکیه نگهداری می‌شود. زمانی که اوجالان هنوز در کنیا بود در چهارم فوریه‌ی ۱۹۹۹ در نتیجه‌ی یک جلسه‌ی محرمانه^۴ میان سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا) و سازمان اطلاعات ملی ترکیه (میت) زندان جزیره امرالی از وجود غیرنظامیان پاکسازی شده و زندانیان زندان نیمه‌باز جزیره به زندان‌های دیگری منتقل می‌شوند و به عنوان یک زندان بسته‌ی تک نفره طراحی می‌شود که فقط اوجالان در آن محبوس شود.

جزیره امرالی در ۱۶ فوریه ۱۹۹۹ با تحویل اوجالان به ترکیه علاوه بر شرایط اقلیمی و محیطی، منطقه‌ی ممنوعه^۵ نظامی و مدیریت بحران^۶، شرایط انزوای شدید نیز به آن افزوده شد و به عنوان مکانی برای "محکوم کردن به مرگ" و یا "اضمحلال" اوجالان در طول زمان تغییر ساختار دارد. در واقع در دوره‌ای که بحث مجازات اعدام مطرح بود، مقامات ترکیه آشکارا از سیاست‌های خود مبنی گشتن دفاع می‌کردند.^۷

عدنان مندرس که در زندان یاسی‌آدا که در دریای مرمره قرار دارد و به دلیل موقعیت مکانی با خشکی ارتباطی ندارد نگهداری می‌شد در نخستین جلسه دادگاه محاکمه‌ی خود در ۱۴ اکتبر ۱۹۶۰ می‌گوید: "من پنج ماه ایزوله بودم و در یک اتاق و به طور ۲۴ ساعت تحت نظارت بودم. بدون حتی یک کلمه حرف زدن زندگی کردم و به تدریج قدرت حرف زدنم ضعیف شده است."^۸

بنابراین مدیریت سیستم ۲۶ ساله‌ی امرالی که دارای رژیم زندان جزیره‌ای است و در حالی که حتی در یک دوره‌ی پنج ماهه می‌تواند قدرت گفتاری را مختل کند، چگونه است؟ رویه‌ها و سیاست‌های جزیره امرالی که از سال ۱۹۹۹ تاکنون اجرا شده است، چیست؟ این سیاست‌ها در چه بستری اجرا می‌شود؟ پاسخ به این سوالات تنها از طریق تحلیل عملکرد موجود در امرالی امکان‌پذیر است.

ده سال و نُه ماه در امرالی

گرچه در حال حاضر ویژگی‌های ساختمانی زندان امرالی به طور کامل شناخته نشده است، اما به دلیل انزوای عمیقی که پس از ژوئیه ۲۰۱۱ در امرالی اعمال می‌شد، اوجالان تا نوامبر ۲۰۰۹ در زندانی دارای سلولی به مساحت ۱۳ مترمربع با یک میز، تخت، توالت، کابین دوش و یک پنجره‌ی کوچک نگهداری می‌شده است که بخش تهویه‌ی آن از سه طرف با

صفحات بزرگ پوشیده شده و فقط از دید محدودی می‌توان آسمان را دید؛ زیرا دیوارها بلند و با صفحات پوشیده شده بود و بعد از سال ۲۰۰۹ محل هواخوری با سیم‌های فشرده بسته شده است.

اوجالان که ۱۰ سال و نه ماه نخست حبس خود در امرالی را تا نوامبر ۲۰۰۹ در سلول انفرادی سپری کرد، در ملاقات با وکلایش و در تاریخ‌های متفاوت سلول محل نگهداری خود را به عنوان یک "چاه"، "تابوت"، "مکانی که حتی زندگی در آن معجزه است" و "نسخه‌ای فشرده از زندان‌های ۱۲ سپتامبر شهر آمد" توصیف کرده است. در طول این فرایند تماس انسان به حداقل کاهش می‌یابد. برخلاف آنچه مقامات ادعا می‌کنند ملاقات با وکلا و خانواده بسیار محدود بود و گاهی اوقات به بهانه‌ی خرابی کشتی و یا شرایط نامساعد جوی امکان ملاقات با یکی از اعضای خانواده یا وکیل به مدت سه ماه وجود نداشت. هنگام ملاقات نیز زمان آن به نیم و یا یک ساعت محدود می‌شد. حتی تعامل با کارکنان زندان ممنوع بود و کارکنان آن فقط به دلایل مربوط به وظیفه‌ی خود اجازه صحبت داشتند.

در طول ده سال و نه ماه نخست روزنامه‌ها و نامه‌هایی که به اوجالان می‌رسید، سانسور می‌شد و مانع از دسترسی اوجالان به بخش‌هایی که مربوط به او، مسئله‌ی کردها یا تحولات جاری در سیاست ترکیه بود، می‌گشت و یا بعد اینکه روزآمدی خود را از دست می‌داد، در اختیار او قرار می‌دادند. صبح‌ها نیم ساعت و بعد از ظهر نیم ساعت در کل روزانه یک ساعت به او اجازه‌ی هواخوری در حیاط مجاور سلولش داده می‌شد. او مجبور بود ۲۳ ساعت را در سلول سپری کند. بنابه تشخیص کمیته اروپایی منع شکنجه (CPT) حیاط مورد استفاده برای هواخوری از نور خورشید بهره نمی‌برد زیرا دیوار اطراف آن شش متر ارتفاع دارد. اگرچه این کمیته در گزارشات خود توصیه کرده که دیوار باید کوتاه‌تر شود اما این توصیه از سوی دولت پذیرفته نشده است. در سلولی که اوجالان ۲۳ ساعت در آن سپری می‌کرد دائماً در معرض صدای یک ژنراتور روشن در همسایگی بود. علاوه بر این با وجود اینکه سلول محل نگهداری اوجالان ۲۴ ساعت توسط دوربین‌ها تحت نظر است اما پرسنل زندان با باز یا بسته کردن ناگهانی درب پنجره و ایجاد سروصدا مانع از مطالعه و یا خواب وی می‌شدند. در رژیمی که او همیشه تحت نظر است و با کسی ارتباط ندارد، تحت عنوان "تفتیش" به سلولش یورش برده و وسایلش را پراکنده می‌کردند.

تا سال ۲۰۱۳ اوجالان امکان تماشای تلویزیون را نداشت و تنها دارای یک رادیوی با یک کانال بود که اغلب برای تعمیر مصادره می‌شد و یا با دستکاری فرکانس‌های آن در جریان فرایندهای سیاسی حساس غیرقابل استفاده می‌شد. مشابه چنین رویکردی پس از سال ۲۰۱۳ برای شبکه‌های تلویزیونی هم اعمال شد.

اوجالان به دلیل اظهارنظر و ارزیابی‌هایش در جلسات دیدار با وکلایش که تا سال ۲۰۱۱ برگزار شد، از سوی اداره‌ی زندان به مدت ۲۴۰ روز به حبس انفرادی محکوم شد. ارزیابی‌های اوجالان در باب آزادی زنان، نسل‌کشی فرهنگی، حق آموزش به زبان مادری، دفاع مشروع، آتش‌بس، صلح و راه‌حل دموکراتیک، وضعیت سیاسی کنونی و تحولات احتمالی به عنوان توجیهی برای مجازات سلول انفرادی برای وی مطرح شد. در مدت اجرای این احکام انفرادی رادیو، روزنامه، کاغذ و خودکار از اوجالان گرفته شد و با دیوارهای سفید زندان تنها ماند. هدف از تحت فشار قرار دادن اوجالان به عنوان یک زندانی سیاسی این بوده که در مورد سیاست‌های موجود اظهارنظر نکرده و نظرات خود در مورد مسئله‌ی کردها و دموکراتیک شدن ترکیه را بیان نکند.

عبدالله اوجالان در دفاعیه‌ی خود به دادگاه حقوق بشر در تاریخ یازدهم آوریل تا ۲۸ اوت ۲۰۰۱ در ارتباط با شرایط زندان امرالی چنین می‌گوید:

"شرایطی که من در آن قرار دارم بسیار دشوارتر از زندان‌های نوع F است. در مدیریت هیچ زندانی در مورد این سیاست‌ها ماده‌ای وجود ندارد. شاهد یک رویکرد سلیقه‌ای و ویژه‌ی زندانی-محکوم هستم. کسی گواه چگونه زیستنم نبوده است. به طور ۲۴ ساعت از سوی نیروهای ویژه که شمار آن‌ها متغیر است و از ۲۰ نفر کمتر نمی‌شود هم از طریق دوربین‌ها و هم با چشمان باز تحت نظارت هستم. آشکار است که این اعمال تا حد حد از نظر روانشناختی سنگین است. با یک تغییر جزئی هوا دیدارهای هفتگی من با وکلای دو یا سه هفته یک بار یک ساعت انجام می‌شود. تنها بعد ماه‌ها امکان دیدار با برادر و دو خواهرم فراهم می‌شود. به دلیل مسافت طولانی و فقر امکان روش دیگری سخت است. رژیم بسیار سنگینی وجود دارد و شرایط موجود وضعیت را دشوارتر نموده است. هر چند اقلیم دریایی همواره بر روی سلامتی‌ام تاثیر منفی بسیاری داشته است. در روزهای اخیر مجبورم هر یک دقیقه مایع خاکستری از گلویم را خارج کنم. وجودم در آخرین مرحله‌ی مقاومت خود است... ستانوی اعمال شده در مقام یک ابزار روانی بزرگی است..."^۹

رژیم امرالی بعد سال ۲۰۰۹

در حالی که عملکرد ویژه در امرالی روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود پنج زندانی پس از سال ۲۰۰۹ تحت عنوان "بهبود" به زندان جزیره منتقل شدند. این زندانیان نیز همچون عبدالله اوجالان در شرایط انزوای شدید قرار گرفتند. انزوای یک نفره تبدیل به انزوای گروهی شد. متعاقبا با ساخت سلول‌های جدید و تغییراتی که در معماری زندان ایجاد شد، اجرای سیاست "گشتن" که در طول زمان تعمیق یافته بود، تسریع بیشتری یافته است.

زندانیان انتقالی به زندان امرالی وضعیت آن را اینگونه بیان کردند: "سطح منروی‌سازی در اینجا پنج تا ده برابر بیش از زندان‌های نوع F که از آنجا آمده‌ایم، است." در حالی که زندانیان در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۱۵ به زندان‌های دیگر منتقل شدند، پنج زندانی جدید در ۲۷ دسامبر ۲۰۱۵ به محل خود منتقل شدند. حامیلی بیلدرم، عُمَر حایری گُنا و ویسی آکتاش سه زندانی که با عبدالله اوجالان در امرالی محبوس بودند، از مارس ۲۰۱۵ تحت انزوای مطلق و ویژه همچون اوجالان قرار دارند. این زندانیان که پیشتر در زندان‌هایی که در آن نگهداری می‌شدند، می‌توانستند با وکلا و خانواده-هایشان ملاقات کنند و دارای حق استفاده از تلفن، نامه‌نویسی و ارتباط با سایر زندانیان در طول روز بودند، در مدت ده سالی که در امرالی بودند از این حقوق محروم شدند. مطابق آخرین گزارش کمیته‌ی منع شکنجه آن‌ها اجازه دارند یک ساعت در روز در طول هفته ملاقات داشته باشند و تمام تعطیلات آخر هفته را به تنهایی در سلول‌های خود می‌گذرانند.^{۱۰}

انزوای تشدید شده بر اوجالان از اواسط سال ۲۰۱۱ ابعاد جدید و سنگین‌تری یافته است. اوجالان نه تنها پس از ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۱ اجازه ملاقات با وکلایش را نداشت بلکه تمامی وکلای که در خلال مذاکرات اسلو میان سال‌های ۲۰۱۰ تا

۲۰۱۱ با اوجالان ملاقات کرده بودند، در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۱ بازداشت و سی‌وشش نفر از آن‌ها دستگیر شدند.^{۱۱} این وضعیت مهم‌ترین نشانه‌ی تبدیل انزوای تشدید شده بر اوجالان به انزوای مطلق است.

انزواسازی به منزله‌ی رژیم ضد سلامتی

هیچ عملکرد و رویکردی در امرالی مستقل از سیاست نیست که شامل وضعیت سلامتی نیز می‌شود. تاکنون دسترسی به اطلاعات در مورد وضعیت عبدالله اوجالان بیشتر از طریق گزارش‌های سازمان منع شکنجه امکان‌پذیر بوده است. با این حال گزارش‌ها هم اطلاعات محدودی را ارائه می‌کنند. تا جولای ۲۰۱۱ اوجالان در دیدار با وکلا از پاسخ به سوالات در مورد وضعیت تندرستی خود اجتناب کرده و اظهار می‌داشت که سلامت شخصی او مهم نیست. بر اساس اطلاعات محدود ارائه شده در گزارشات سازمان منع شکنجه و نتایج دیدارها مشاهده شده که شرایط محیطی و آب‌وهوای امرالی در کنار سیاست‌های منزوی‌سازی و عدم مداوای بیماری‌های اوجالان موجب بدتر شدن آن در طول زمان شده است. مطابق گزارش‌های سازمان منع شکنجه و اطلاعات محدود وکلا مشکلات دستگاه تنفسی فوقانی، شرایط آلرژیک و بیماری پروستات به تدریج افزایش یافته و ناراحتی‌هایی از جمله تنگی نفس تا بیدار شدن ناگهانی به دلیل تنگی نفس در شب وجود داشته است.

اوجالان در سال ۲۰۰۵ و در دیدار با وکلایش محیط بدون اکسیژنی که در آن نگهداری می‌شود را چنین توصیف کرده است: "همانند ماهی‌ای هستم که تلاش می‌کند هم در آب و هم در خشکی زندگی کند. یک موجود زنده فقط در پانصد سال می‌تواند خود را با زندگی در محیط‌ها مختلف سازگار کند. من شش سال است که سعی کرده‌ام خود را سازگار کنم. تنها با تکیه سرم به محفظه تنفس می‌توانم بخوابم."

در امرالی که شرایط اقلیمی آن مشکلات جدی برای سلامتی ایجاد می‌کند، دسترسی به شرایط سالم هم به دلیل موقعیت مکانی و هم به دلیل سیاست‌های منزوی‌سازی محدود شده است. تجهیزات ضروری اورژانس پس از چندین بازدید سازمان منع شکنجه فراهم شده است. شرایط برای وضعیت اضطراری آنچنان نامساعد است که محمدسعید ییلدرم که در ۱۷ مارس ۲۰۱۵ به زندان امرالی منتقل شده بود و دارای عارضه‌ی قلبی بود بعد از نه روز فوت کرد. این مورد نشان‌دهنده‌ی این است که امرالی از نظر شرایط سلامتی مکان مناسبی برای کسانی که نیاز به مداخله‌ی فوری دارند، نیست.

در امرالی اساسی‌ترین ترم‌های انسانی از جمله سلامت انسان نیز همواره محدود به ارزیابی در چارچوب "تروریسم" بوده و سعی شده این سیاست دائمی شود. تا جایی که در این مرحله حتی برای اعمال ممنوعیت نیازی به استناد به هیچ قانون و آیین‌نامه‌ای نیست و دلایل انتزاعی "امنیتی" کافی تلقی می‌شود.

دلایل غیرموجه؛ ممنوعیت‌ها

در نظر بگیرید که اوجالان که مطابق قانون حق ملاقات نامحدود با وکیل خود در ساعات تعیین شده را دارد، از سال ۲۰۱۱ و در مدت چهارده سال فقط توانسته پنج بار با وکلا دیدار نماید. هر پنج مورد از این دیدارها در شرایط فوق-العاده و در پی اعتصاب غذای آغاز شده در سال ۲۰۱۹ و واکنش جدی جامعه صورت گرفته است.^{۱۲}

اوجالان در طول ۲۶ سالی که در امرالی محبوس بود تنها دو بار توانست از حق خود برای برقراری ارتباط تلفنی استفاده کند. اولین مورد در سال ۲۰۲۰ به دلیل بیماری همه گیر کرونا رخ داد و دومی پس از انتشار خبر مرگ وی در رسانه های مجازی صورت گرفت. اما بعد از سه و یا چهار دقیقه ارتباط تلفنی قطع شد. این قطع ارتباط بلافاصله پس از آن رخ داد که اوجالان در صحبت هایش نسبت به کاهش همه ی حقوق اساسی خود به یک تماس تلفنی واکنش نشان داد و اعلام کرد که قانون باید اجرا شود و وکلا برای مشورت مراجعه کنند. از آخرین تماس تلفنی در ۲۵ مارس ۲۰۲۱ تا ۲۳ اکتبر ۲۰۲۴ دقیقاً ۴۴ ماه حتی یک خبر از اوجالان و یا زندانیان نزد او دریافت نشده است. در گزارش سازمان منع شکنجه در مورد دیدار خود از امرالی در سال ۲۰۱۹ آمده که اجرای ممنوعیت کامل تماس با دنیای بیرون به عنوان نوعی سلول انفرادی (Incommunicado) ارزیابی شده که در آن اوجالان و سه زندانی همراه او اجازه ملاقات با کسی را ندارند. پس از ۴۴ ماه به عمر اوجالان، برادرزاده ی اوجالان اجازه داده شد که با وی دیدار کند و تنها پس از آن بود که از وضعیت او آگاهی کسب شد.

از سال های ۲۰۱۶ بدین سو دیدارهای با خانواده به بهانه ی مجازات های "انضباطی" و ملاقات با وکلا به صورت سیستماتیک و مستمر به دلیل تصمیم مبني بر "ممنوعیت" ممنوع شده است. مقامات زندان و دادگاه از آگاهی وکلا از دلیل این ممنوعیت ها جلوگیری می کنند و همچنین سعی می کنند از انتقال آن به مجراهای بین المللی جلوگیری کنند. این پروسه ها به طور مخفیانه و بدون نظارت انجام می گیرد. با وجود این موانع بعدها فرصت یافتیم تا در پرونده هایی که با تلاش های مختلف در مراجع بین المللی مورد بحث قرار گرفت، از برخی از این توجیهات مطلع شویم.

به عنوان مثال مطابق اسناد ارائه شده به عنوان ضمیمه ی پرونده توسط دولت ترکیه که پاسخ های کتبی به پرونده ای که در دادگاه حقوق بشر علیه اوجالان در حال بررسی است، ارائه کرده حاوی اطلاعات قابل توجهی است. در این اسناد دلیل تنبیهات "انضباطی" اوجالان و دوستانش را صحبت کردن با یکدیگر^{۱۳} در حین ورزش و یا قدم زدن^{۱۴} عنوان کرده اند و گفته شده که این اقدام باعث اختلال در "جریان کاری" این نهاد شده که فقط شامل اوجالان و سه تن از دوستانش می شود. همچنین بیان شده که یک "انضباط فشرده" برای عملکرد بهتر "نظم عمومی" مورد نیاز است.

در این مرحله اظهارات اوجالان که در اسناد ارائه شده از سوی دولت ترکیه به دادگاه حقوق بشر نیز موجود است و تنها به این شکل در اختیار وکلای او قرار گرفته به شرح زیر است: ورزش اصلی زندان، قدم زدن است و حق صحبت در حین قدم زدن حقوق جهانی است و این امر نمی تواند به عنوان یک جرم تلقی شود که تأکیدی است بر خودسری و غیرقانونی بودن مدیریت زندان. همچنین سازمان منع شکنجه بدین نتیجه رسیده که تصمیمات برای جلوگیری از ملاقات با خانواده فریبنده بوده و کاملاً سیاسی است.

همانطور که مشاهده می‌شود هدف نخست سیاست منزوی‌سازی، اوجالان بود و هر مطالبه‌ی حقوق اولیه نیازمند مبارزه‌ای جدی بوده است. دسترسی به حق سلامت، نفس کشیدن از پنجره، داشتن قلم و کاغذ، داشتن عینک، توانایی صحبت کردن در مورد مسائل سیاسی، صحبت کردن به زبان مادری هنگام ملاقات با خانواده و قدم زدن در محوطه‌ی زندان تنها برخی از این موارد است. به قول عبدالله اوجالان هر بار سعی می‌شود میزان توانایی یک انسان در برابر ظلم سنجیده شود.

انزوای در امرالی بر خانواده و وکلای او هم اجرایی می‌شود. خانواده‌هایی که باید برای دیدار با اوجالان مسیری طولانی طی کرده تا به جزیره برسند، خطر واژگونی قایق، بازرسی‌هایی که با بدرفتاری و تحقیرآمیز صورت می‌گیرد، محرومیت وکلا از وکالت و اتهامات کیفری، تهدید، محرومیت از دسترسی به اطلاعات و اسناد لازم برای دفاع از موکل خود و دخالت در دیدارها تنها بخشی از اقداماتی است که نمونه‌ی بارز انزواسازی خانواده و وکلای اوجالان است.

یک رژیم غیرقانونی

با وجود گذشت ۲۶ سال، "منزوی‌سازی همچنان ادامه دارد".^{۱۶} همانگونه که قوانین و معاهدات بین‌المللی اجرایی نمی‌شود، تصمیمات یا توصیه‌های قضایی بین‌المللی نیز اجرا نمی‌شود. بنابراین آیا تعریفی از حقوق یا دامنه‌ای آن در امرالی وجود دارد؟ نظم امرالی در چه نقاطی از چارچوب قوانین موجود عبور می‌کند؟ اجازه بدهید اینگونه بیان نماییم؛ برای امرالی تعاریفی همچون "منطقه‌ی اداره شده با وضعیت فوق‌العاده"، "منطقه‌ای که در آن حالت استثناء به یک امر عادی تبدیل شده است" و "مکانی که قوانین جزایی دشمن در آن اعمال می‌شود". امرالی در کدام یک از این سه رژیم قرار می‌گیرد؟ در همه‌ی آن‌ها و آیا تعریف دیگری خارج از این سه رژیم وجود دارد؟

رژیم‌های وضعیت فوق‌العاده، حالت استثناء و حقوق کیفری دشمن همگی مغایر با ارزش‌های مشترک تاریخ بشر، اصول اولیه‌ی انسانی-وجدانی و موازین حقوق جهانی است. هر چند می‌توان این رژیم‌ها را در نوشتاری دیگر به طور مفصل مورد بحث قرار داد. هدف در اینجا صرفاً مباحث قانونی است. لذا قانونی بودن یک امر به معنای مشروع بودن آن نیست. بنابراین تأکید ما بر قانونی بودن رژیم‌های نامشروع است.

تلاش می‌شود به نحوی ارتباط میان رژیم‌های وضعیت فوق‌العاده، حالت استثناء و حقوق کیفری دشمن با نظم حقوقی برقرار گردد. آن‌ها نه کاملاً قانونی هستند و نه غیرقانونی. نیاز به مواد قانونی مبنی بر اعمال این رژیم‌ها به صورت دوره‌ای یا نامحدود وجود دارد. این قوانین و مواد مورد نیاز هم همانند این رژیم‌ها برخلاف ارزش‌های انسانی و اخلاقی هستند. بدین دلیل برقراری این سه رژیم، رژیم‌های نامشروع هستند.

حالت استثناء پیشتر در مقررات قانونی جا افتاده است. یک هنجار گلی وجود دارد اما وضعیت خاص دیگری که از این هنجار مستثنی است نیز به طور جداگانه بیان شده است. این امر در قوانین ملی و توافق‌نامه‌های بین‌المللی تثبیت شده است. به عنوان مثال این یک قانون است که محکومان به حبس ابد ۳۶ سال از دوران محکومیت خود را می‌گذرانند. لذا این یک استثناء است که افرادی که به دلیل جرمی که در شمول قانون "مبارزه با تروریسم" هستند، به حبس ابد

محکوم می‌شوند. آشکار است که در یک رژیم آنتی‌دمکراتیک استثناء به تدریج به یک قاعده تبدیل می‌شود و به مرور زمان دائمی و عمومی می‌شود.

وضعیت فوق‌العاده رژیمی است که بر اساس آن هنگام بحران می‌توان قانون را به استثنای حقوق و آزادی‌های اساسی تعلیق کرد. وضعیت فوق‌العاده متکی به یک قانون است. به عنوان مثال یک قانون وضعیت فوق‌العاده وجود دارد و یک ماده قانون اساسی که این قانون بر آن استوار است، وجود دارد. مطابق میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد در صورت وضعیت فوق‌العاده می‌توان اقدامات مربوطه را انجام داد. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بر مبنای قابل تعلیق بودن تعهدات قانونی در صورت وضعیت فوق‌العاده تنظیم شده است. با وجودی که مرزهای رژیم وضعیت فوق‌العاده به وضوح ترسیم نشده، لذا می‌توان گفت به طور یقین پیوند آن با قانون تا حدی ثابت شده است. بر مبنای تئوری حقوق کیفری دشمن، "دشمن" یعنی "تروریست" اصولاً و به شکل فعالی در تقابل با نظم حقوقی بوده و رقیب این نظم است؛ خطرناک است و چون خطرناک است بایست با آن مبارزه کرد و قوانین خاصی در مورد او اعمال شود. در برابر شخصی که به عنوان "دشمن" توصیف می‌شود نه هنجارهای قانونی بلکه باید "قوانین جنگ" که هدفشان مبارزه با او و رفع خطر است، اعمال گردد.^{۱۷} قانون مبارزه با "تروریسم" نمونه‌ای از تاثیر این تئوری بر دولت‌ها است.

امرالی در برخی از جنبه‌ها شامل این سه رژیم است لذا در مرحله‌ای که بدان رسیده فراتر از این رژیم‌ها است و نمایانگر نظامی است که جنبه‌های متفاوتی با این رژیم‌ها دارد. در برابر ساختار اداری و سیاسی امرالی که به طور ویژه برای آن طراحی شده؛ قانون به شی‌ای تبدیل شده که به سود تصمیمات حاکمیت، ابزاری می‌گردد که گویی "وجود" دارد. از روند ربوده شده اوجالان تا شرایط نگهداری او، ممنوعیت حق داشتن وکیل و تصمیمات "انضباطی" و سایر اقدامات اغلب هیچ مبنای قانونی ندارد. اما با وجود این، تصمیمات با سازوکارهای قضایی اتخاذ می‌شود. با یک قاعده‌ی حقوقی غیرموجود به گونه‌ای رفتار می‌شود که گویی "وجود دارد".

به عنوان مثال پس از اعلام وضعیت فوق‌العاده در ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۶ به دلیل تلاش برای کودتای نظامی در ترکیه در ۱۵ جولای ۲۰۱۶، فرمان وضعیت فوق‌العاده برای نخستین بار در ۲۳ جولای ۲۰۱۶ منتشر شد. بر اساس این فرمان وضعیت فوق‌العاده، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مختلفی ممکن است برای دسترسی بازداشت‌شدگان به وکلا و به دلایلی متفاوتی اعمال شود. با این حال در ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۶ دو روز پیش از صدور نخستین فرمان وضعیت فوق‌العاده حق ملاقات و ارتباط با اوجالان برای مدت نامحدود ممنوع اعلام شد. دادگاه حتی نیازی به استناد به هیچ قانونی در تصمیم‌گیری خود احساس نکرد و رویه‌ی قانونی نیز رعایت نشد. در حالی که هیچ قانون داخلی و یا بین‌المللی وجود ندارد که این تصمیم درباره‌ی اوجالان را مجاز نماید. سیاست‌های اعمال شده در جزیره‌ی امرالی هیچ مبنای قانونی ندارد. همانگونه که ممنوعیت دیدارها در این جزیره میان سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ هیچ مبنای قانونی ندارد. گویی نیازی به این مبانی وجود ندارد. از این نظر امرالی رژیمی است که از نظر قانونی قابل تعریف و پیش‌بینی نیست در نتیجه قابل کنترل نبوده و شامل رژیمی فوق‌العاده و متفاوت است.

از توطئه‌ی بین‌المللی تا انزوای بین‌المللی

در چنین شرایطی تصور اینکه رژیم موجود صرفاً محصول سیاست‌های دولت ترکیه است، ممکن است ما را به نتایج گمراه‌کننده‌ای برساند. از سوی دیگر دولت ترکیه ملزم به رعایت قراردادهای و حقوق بین‌المللی است و مسئول اجرای توصیه‌های کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کمیته وزرای شورای اروپا (CEC) است که بر تصمیمات آن نظارت می‌کند. بنابراین وجود چنین زندانی چگونه در محدوده‌ی اعمال قوانین اروپا امکان‌پذیر بود؟ پاسخ به این سوال ارتباط تنگاتنگی با رویکرد اروپا در شکل دادن به نظم امرالی بر اساس منافع سیاسی توافق شده و اولویت ندادن به حقوق بشر و دموکراسی دارد. در غیر این صورت آیا یک حوزه‌ی فراقانونی که قدرت خودسرانه بر حقوق و آزادی‌ها اعمال می‌کند و خارج از قوانین مثبت و نظام کیفری عمل می‌کند، امکان حفظ استمرار خود در سیستم حقوقی اروپا را دارد؟

بدون تردید یکی از اصلی‌ترین بازیگران روند منتهی شده به امرالی و تداوم آن، ایالات متحده آمریکا است. پیش از ۹ اکتبر ۱۹۹۸ هنگامی که اوجالان سوریه ترک کرده و به سوی اروپا حرکت نمود، نخستین سفر ریاست جمهوری آمریکا به سوریه در سال ۱۹۹۴ و پس از بیست سال صورت گرفت که نشان از این است که هدف این سفر چانه‌زنی بر سر حذف اوجالان در سوریه انجام گرفته است.^{۱۹} صورت جلسه‌ی محرمانه‌ای که در کاخ سفید میان بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا و نخست‌وزیر یونان در سال ۱۹۹۶ برگزار شد، در مطبوعات منعکس شد. اوجالان در این دقایق موضوع گفتگو بود^{۲۰} و بعدها بلینکن مشاور رئیس‌جمهور آمریکا کلینتون در برنامه‌ی مانشت در تلویزیون سی.ان.ان ترکیه به روزنامه‌نگار مجدعلی بیراند می‌گوید: "من هر روز آخرین اخبار در مورد اوجالان را به کلینتون اطلاع می‌دهم." به گفته‌ی وی نخست‌وزیر سابق ایتالیا ماسیمو دالما اخیراً اعتراف کرده که رئیس‌جمهور آمریکا با او تماس گرفته و گفته است که "اوجالان را به ترکیه تحویل دهید".^{۲۱} این موارد موضع ایالات متحده آمریکا در این روند را آشکار می‌کند.

و در مورد نقش اروپا در این روند؛ یونان با دعوت رسمی پارلمان اوجالان را به یونان دعوت نمود اما به جای نمایندگان پارلمان، افسران اطلاعاتی در فرودگاه از اوجالان استقبال کردند. یونان با درخواست خروج اوجالان از این کشور نقش مهمی در تضمین روند تحویل اوجالان به ترکیه ایفا نمود. سپس خطوط هوایی اروپا به روی اوجالان بسته شد و به عنوان "شخص نامطلوب" اعلام شد. حتی حکم دستگیری اوجالان هم لغو شد تا در کشورشان دستگیر نشود و درخواست پناهندگی نکند. درخواست‌های پناهندگی یا اصلاً مورد رسیدگی قرار نگرفت یا معلق ماند. در نتیجه عملاً اوجالان محاصر شد و از بازگشت او به گوردستان جلوگیری شد تا به کشوری که در آن حکم اعدام او صادر شد، ربنده شود.

در حالی که اروپا در ابتدا با بستن حریم هوایی خود به روی اوجالان و خارج کردن وی از قلمرو اروپا و ربودن وی به کنیا با آمریکا همکاری کرد، در طی ۲۶ سال سازش و همکاری خود را با رفتارهای منفعلانه نهادهای شورای اروپا همچنين سازمان منع شکنجه و دادگاه حقوق بشر اروپا که طرف‌های اصلی ترکیه هستند، طی سال‌های اخیر حفظ کرده است.

این واقعیت که دادگاه حقوق بشر اروپا، کمیته وزرای شورای اروپا و کمیته پیشگیری از منع شکنجه علی‌رغم همه‌ی درخواست‌ها به طور مداوم از رعایت الزامات قانونی کوتاهی کرده‌اند، نقش مهمی در بروز و تداوم اعمال غیرقانونی و

عدم هشیاری دولت ترکیه ایفا کرده است. با گذشت ۱۴ سال هنوز هم دادگاه حقوق بشر اروپا درباره‌ی سیاست منزوی-سازي تصمیمی نگرفته؛ کمیته وزرای شورای اروپا در اجرایی نمودن تصمیم دادگاه حقوق بشر مبنی بر "حق امید" کوتاهی کرده و آن را به وضعیت تعلیق درآورده است. کمیته منع شکنجه نیز در این موارد بر طبق رویه‌ی موجود عمل می‌کند. این عملکرد به طور عینی نشان می‌دهد که این نهادها با انگیزه‌های سیاسی و نه حقوقی با موضوع برخورد می‌کنند.

نتیجه

عبدالله اوجالان از سال ۱۹۹۳ بدین سو هرگز از موضع خود به سود راه‌حل دموکراتیک و سیاسی برای چاره‌یابی مسئله‌ی گُرد عقب‌نشینی نکرده و تلاش‌های بسیاری در این راستا انجام داده است. با وجود شرایط دشوار منزوی‌سازی با ارائه‌ی دفاعیات، پیشنهادات چاره‌یابی خلاقانه و منطقی و نقشه راه همچنان بر خط‌مشی صلح دموکراتیک و شرافتمندانه اصرار می‌ورزد.

وی در دیدار با وکلا پس از هشت سال وقفه در سال ۲۰۱۹ می‌گوید: "سعی می‌کنم برای گردها فضایی باز نمایم، بیاوید مسئله‌ی گُرد را چاره‌یابی نمایم. می‌گویم در عرض یک هفته وضعیت و احتمال درگیری را از میان بردارم، در این زمینه به خود باور دارم. اما دولت بایستی آنچه را لازم است، انجام دهد." وی در نخستین جلسه‌ای که در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۴ برگزار شد و پس از تقریباً چهار سال از عدم برقراری ارتباط می‌گوید: "انزوا ادامه دارد. اگر شرایط ایجاد شود من دارای نیروی نظری و عملی هستم که این روند را از بستر درگیری و خشونت به بستر سیاسی و حقوقی سوق دهم. من دارای این توانایی هستم." اوجالان در دیدار با هیئت سیاسی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴ می‌گوید: "تمامی این تلاش‌ها کشور را به سطحی که شایسته‌ی آن است، خواهد رساند و همچنین راهنمای بسیار ارزشمندی برای تحول دموکراتیک خواهد بود. این عصر صلح، دموکراسی و برادری برای ترکیه و منطقه است." وی با در میان گذاشتن پیام خود با افکار عمومی بر تداوم نظم امرالی جلب توجه کرده و خواسته‌ی خود مبنی بر صلح و دموکراسی را تکرار کرده است.

از دید ما نایست "مقاومت، تلاش و نیرویی که در خود جزیره‌ی امرالی وجود دارد" را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی عمق و وسعت انزوای اعمال شده در امرالی را نادیده گرفته و فراموش نماییم. در واقع مقاومت و نتایج آن در امرالی دارای این قابلیت بود که سیاست‌های منزوی‌سازی را که محصول موازنه‌ای بین‌المللی قدرت بود را معکوس و خنثی نماید. به همین دلیل است که با افزایش مقاومت در امرالی شکل و فُرم انزوا نیز تغییر می‌یابد. علی‌رغم تمامی این شرایط نام رژیم امرالی که در تاریخ ثبت شده و در خاطرات مردم حک شده، رژیم حقیقی است که توسط اوجالان ساخته شده است. همانگونه که دفاعیات وی تاثیر عمیقی بر فرهنگ‌های بومی تمامی خاورمیانه به ویژه آناتولی و مزوپوتامیا نهاده تا آنان حقیقت خود را بیان داشته و به آگاهی آزادی و سیاسی خود دست یابند.^{۲۲}

*این مقاله در شماره ۳۳ مجله‌ی پژوهشی-تحقیقاتی ژنئولوژی با محوریت "انزوا و حبس" منتشر شده است که در آن به فرهنگ حصر و سیاست‌های منزوی‌سازی در زندان‌ها پرداخته شده است.

-زندان تیپ F یکی از انواع زندانهای در ترکیه است که افراد به صورت تک نفره در آن قرار می‌گیرند و مجازات آنها به صورت انزوا است.

-شخص نامطلوب (Person non grata) یا شخص غیرقابل پذیرش اصطلاحی در حقوق بین‌المللی است که درباره‌ی دیپلمات-هایی به کار می‌رود که حق ورود و اقامت در کشور پذیرنده را ندارند.

پانویس‌ها

¹ F Tipi Cezaevlerine İlişkin TTB Raporu, https://www.ttb.org.tr/makale_goster.php?Guid=04f12682-9281-11e7-b66d-1540034f819c (Son Erişim: 15 Kasım 2024), Kent Mekânında İktidarın Yeniden Üretimi, İki 'Güvenlik' Mekanı: Kapalı Yerleşimler ve F Tipi Hapishaneler, <https://cisst.org.tr/wp-content/uploads/2020/07/Can-Metin-Senyurt-arastirma.pdf>, (Son Erişim: 15 Kasım 2024).

² Cemil Kuyu, "İmralı", *Bursa Defteri Dergisi*, Sayı: 3, Eylül 1999, 221.

³ Cemil Kuyu, "İmralı", *Bursa Defteri Dergisi*, Sayı: 3, Eylül 1999, 226.

⁴ "Yeşil ışık 4 Şubat'ta yakıldı", *Hürriyet*, 19 Şubat 1999, <https://www.hurriyet.com.tr/gundem/yesil-isk-4-subatta-yakildi-39063888> (Son Erişim: 20 Kasım 2024)

⁵ İmralı Adası, 5 mile kadar deniz ve havadan askeri yasak bölge ilan edilmiştir.

⁶ Yasa gereği Türkiye'deki bütün hapishaneler Adalet Bakanlığı'na bağlı iken İmralı Ada Hapishanesi, 2009 yılına kadar Milli Güvenlik Kurulu'na bağlı Başbakanlık Kriz Yönetim Merkezi tarafından yönetilmiştir.

⁷ MGK Eski Genel Sekreteri Tuncer Kılıç, Türkiye'nin Brüksel Büyükelçiliği'nde 15 Nisan 2003'te gerçekleştirilen toplantıda Öcalan hakkında "...Biz onu yaşatmakla her gün öldürmüş oluyoruz... Çok kötü şartlarda yaşıyor..." demiştir. Bu açıklamaya karşı devletten ve hükümetten herhangi bir tezip gelmemiş, tersine Adalet Bakanı tarafından teyit edilmiştir. Adalet Bakanı Cemil Çiçek, 16 Ekim 2003 tarihli demecinde; "Öcalan da yalnız başına kalmalıdır." demiştir. Eski Cumhurbaşkanı Kenan Evren de "İdam edilecek, ölüp gidecek bu mu iyi, hayatı boyunca çürümesi mi iyi?" sözleri ile daha açık bir dille ifade etmiştir.

⁸ Enver Durmuş, *Yassıada'dan İmralı'ya*, İstanbul: Boğaziçi Yayınları, 1990, 55.

⁹ Öcalan'ın AIHM'e sunduğu 2001 tarihli savunması.

¹⁰ CPT'nin 2019 tarihli İmralı Ada Hapishanesi raporu.

¹¹ Avukatlar, 36 ay tutuklu kaldıktan sonra tahliye edilirken yargılama bugüne kadar devam etmektedir.

¹² "Süresiz ve Dönüşümsüz Açlık Grevleri Sona Erdirildi" İHD, 26 Mayıs 2019, <https://www.ihd.org.tr/suresiz-ve-donusumsuz-aclik-grevleri-sona-erdirildi/> (Son Erişim: 20 Kasım 2024)

¹³ İmralı Cezaevi Müdürlüğü'nün 2019 tarihli kararı.

¹⁴ İmralı Cezaevi Müdürlüğü'nün 2019 tarihli kararı.

¹⁵ Avrupa İşkenceyi Önleme Komitesi'nin 2019 tarihli İmralı Hapishane Raporu.

¹⁶ 23 Ekim 2024 tarihli aile görüşü vesilesiyle Öcalan'ın kamuyou ile paylaştığı mesaj.

¹⁷ Henning Rosenau, çev., Erhan Temel, "Jakobs'un Düşman Ceza Hukuku Kavramı Hukukun Düşmanı", *Dergipak*, <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/626772> (Son Erişim: 20 Kasım 2024)

¹⁸ 23 Temmuz 2016 Tarihli, 29779 Sayılı, OHAL Kapsamında Alınan Tedbirlere İlişkin Kanun Hükmünde Kararname, <https://www.resmigazete.gov.tr/eskiler/2016/07/20160723-8.htm> (Son Erişim:20 Kasım 2024)

¹⁹ Abdullah Öcalan, *Uluslararası Komplo-Atina Davası*, İstanbul: Amara Yayıncılık, 2015, 21, 22.

²⁰ A.g.e

²¹ "Uluslararası Komplo İtirafı: Clinton 'Öcalan'ı Türkiye'ye verin' Dedi", *Yeniyaşam*, 7 Ekim 2024, <https://yeniyaşamgazetesi6.com/uluslararasi-komplo-itirafi-clinton-ocalani-turkiyeye-verin-dedi/> (Son Erişim: 20 Kasım 2024)

²² Abdullah Öcalan, *Demokratik Uygarlık Çözümü -5-*, İstanbul: Amara Yayıncılık, 2015.